

نزد استادان بزرگی چون محمدباقر مجلسی^۵، آقا جمال خوانساری^۶، جعفر بن عبدالله کمره‌ای (قاضی و شیخ الاسلام اصفهان) درس خواند و از دو استاد اول، اجازه روایت گرفت. سپس به قزوین بازگشت و به تدریس، افتا و تصدی امور دینی پرداخت. علاوه بر فرزندش محمد مهدی، شیخ عبدالنبی قزوینی (صاحب تمیم امل الامل) و قطب الدین محمد ذهبی شیرازی نزد او درس خوانده بودند و از او روایت می‌کردند (همان، ج ۲۱، ص ۱۷۸؛ حسینی اشکوری، ۱۴۱۰، ص ۸-۹).

محمد ابراهیم در فقه و اصول و حکمت و کلام تبحر داشت و به فارسی و عربی شعر می‌سرود (گلریز، ج ۲، ص ۳۲؛ حسینی اشکوری، ۱۴۱۰، ص ۹؛ شهیدی صالحی، ۱۳۷۲، ص ۱۸۷). وی بسیار عابد، زاهد و محتاط بود (مدرس تبریزی، ج ۴، ص ۴۵۰) و کتابخانه بزرگی داشت که بسیاری از کتابهای آن را تصحیح و مقابله کرده یا بر آنها حاشیه نوشته بود. همچنین حدود هفتاد جلد کتاب تألیف یا استنساخ کرده بود (قزوینی، ص ۵۳). محمد ابراهیم در ۱۱۴۵ یا ۱۱۴۹ وفات یافت و در امامزاده حسین قزوین دفن شد (گلریز، ج ۲، ص ۳۲-۳۳؛ حسینی اشکوری، همانجا).

بعضی از مهم‌ترین تألیفات او عبارت‌اند از: تحصیل الاطمینان، در شرح زبدة البیان محقق اردبیلی، که آقا جمال خوانساری بر آن تقریظی نگاشته است؛ حاشیه بر مدارک الاحکام سید محمد عاملی؛ سیلاح المؤمنین، منتخبی از دعاها و حررها به فارسی؛ رسالة فی العلم الالهی؛ البداء؛ و شرح الصحیفة السجادیة (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۹۲، ج ۳، ص ۵۳، ۳۹۶، ج ۶، ص ۱۹۶، ج ۱۲، ص ۲۰۹-۲۱۰، ج ۱۳، ص ۳۴۶، ج ۱۵، ص ۳۱۷؛ نیز ج ۶، ص ۹۱، ج ۲۰، ص ۵۷، ۶۳، ۹۴).

فرزندان ابراهیم نیز عالم و اهل فضل بودند. افزون بر سید حسین (که ادامه مقاله)، که از همه برجسته‌تر بود، دیگر فرزندان وی، سید احمد، سید محمد مهدی، سید علی و سید حسن بودند.

سید احمد در علوم ادبی مهارت داشت و چون از علمای بزرگ قزوین به شمار می‌رفت، نادرشاه افشار وی را به گردهمایی دشت مغان در ۱۱۴۸ دعوت کرد (قزوینی، ص ۶۵؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۳۷۲، ص ۴۴؛ نیز ج ۶، ص ۲۰، امین، ج ۶، ص ۲۰).

سید محمد مهدی در علوم عقلی، رجال و حدیث تبحر داشت (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ص ۱۷۸-۱۷۹). او از طریق پدرش، و گاهی بدون واسطه، از علامه مجلسی روایت کرده است (نوری، ص ۱۶۴). گفته‌اند محمد مهدی در حمله محمود افغان به پایتخت (اصفهان)، که در ۱۱۳۵ به سقوط آن

ضبط اشعار و دیگر اطلاعات، دقت نکرده و اشعار برخی شاعران را به نام برخی دیگر ثبت کرده است (گلچین معانی، ج ۱، ص ۲۱۲-۲۱۳).

منابع: میرحسین دوست حسینی سنهلی، تذکره حسینی، چاپ سنگی [لکهنو ۱۲۹۲]؛ احمد گلچین معانی، تاریخ تذکرةهای فارسی، تهران ۱۳۶۳؛ احمد منزوی، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، اسلام‌آباد ۱۳۶۲-۱۳۷۰؛ علیرضا نقوی، تذکره نویسی در هند و پاکستان، تهران ۱۳۴۳؛

Charles Ambrose Storey, *Persian literature: a bio-bibliographical survey*, vol. 1, pt. 2, London 1972.

/ه‌لن خوش‌چین گل /

حسینی قزوینی، خاندان، خاندانی شیعی مشهور به علم و فقاہت، از فرزندان محمد فصیح‌بن میراویاء در سده‌های یازدهم تا سیزدهم. درباره محمد فصیح همین قدر می‌دانیم که اصالتاً تبریزی بوده و به قزوین کوچ کرده است و اعقابش در قزوین مانده‌اند.

برخی از مشاهیر این خاندان عبارت‌اند از:

۱) میر محمد معصوم، فرزند محمد فصیح، فقیه و متکلم امامی، سرسلطه این خاندان. وی در ۱۰۰۷ در تبریز به دنیا آمد. ریاضیات را در قزوین نزد محمدباقر یزدی آموخت و فلسفه و کلام را از میرزا رفیع نائینی^۷ فراگرفت و از وی اجازه روایت اخذ کرد (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۱۱، ص ۵۷۳؛ گلریز، ج ۲، ص ۲۸۳). محمد معصوم در فقه، اصول، حدیث، حکمت و ریاضی تبحر داشت و محمد علی جزینی از شاگردان او بود (که جزعاملی، قسم ۲، ص ۳۰۷؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۳۷۲، ص ۵۱۴). محمد معصوم در ۱۰۹۱ در قزوین درگذشت و در امامزاده حسین دفن شد (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۱۱۹).

برخی از تألیفات او عبارت‌اند از: شرح اصول الکافی؛ التوحید فی التوحید؛ مَتَخَبُّ المَلِیْلِ و النحل، گزیده اثر محمد بن عبدالکریم شهرستانی؛ حاشیه بر بخش الهیات شرح الاشارات و التنبیهات خواجه نصیرالدین طوسی؛ حاشیه بر شرح التذکرة النصیریة عبدالعلی بیرجندی. شمس الدین محمد خفری و نیز جلال الدین محمد دوانی بر شرح جدید تجرید، اثر علی بن محمد قوشچی، حاشیه نوشته بودند و میر محمد معصوم بر حاشیه هر دو آنها حاشیه نوشته است (همان، ج ۶، ص ۶۷، ۶۹، ۱۱۲، ۱۱۹، ۱۴۳، ج ۱۳، ص ۱۰۰، ج ۲۲، ص ۴۳۸، ج ۲۵، ص ۵۲).

۲) سید محمد ابراهیم (میر ابراهیم/ ابراهیم)، فرزند میر محمد معصوم، فقیه، حکیم و متکلم. وی در ۱۰۵۷ در قزوین به دنیا آمد. نزد پدر خود علم آموخت، سپس به اصفهان رفت و

انجامید، فتوای جهاد داده بود. وی در ۱۱۶۳ درگذشت (ورجاوند، دفتر ۳، ص ۱۹۷۹؛ زربادی، ص ۱۲۹).

سیدعلی در علوم غریبه، کلام، ریاضی و طب دست داشت (آقابزرگ طهرانی، ۱۳۷۲ ش، ص ۵۴۲؛ ورجاوند، همانجا).

سیدحسن (متوفی ۱۱۹۸) منطق، حکمت، کلام، فقه، اصول و تفسیر را از برادران خود، محمدمهدی و حسین، آموخت. یکی از معروف‌ترین شاگردان او، آخوند ملاعلی نوری، استاد شهر فلسفه در اصفهان (متوفی ۱۲۴۶) بود (قزوینی، ص ۱۰۸؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۳۷۲ ش، ص ۱۷۵). کتاب مجموعه الادعیه و الختوم از او برجای مانده است (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۹۰).

۳) سیدحسین (میر حسین/حسین)، فرزند میرابراهیم. وی در حدود ۱۱۲۶ در قزوین به دنیا آمد. ابتدا نزد پدرش درس خواند. علوم عقلی و رجال و حدیث را از برادر خود، محمدمهدی، آموخت (همان، ج ۲۱، ص ۱۷۸-۱۷۹). وی از نصرالله حائری، حسین ماحوزی، محمدعلی جزینی و ملامحمدقاسم تنکابنی روایت نقل کرده است (محسن امین، ج ۵، ص ۴۱۴). سیدمحمدمهدی طباطبایی بحرالعلوم* و میرزا ابوالقاسم قمی* (صاحب قوانین الاصول) از او اجازه روایت داشتند (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۳۸-۱۳۹، ۱۸۰). سیدحسین معاصر شیخ یوسف بحرانی* بود و پس از احاطه بر علوم عقلی و نقلی، در حوزه علمیه قزوین به تدریس و افتا پرداخت (همان، ج ۲۱، ص ۱۷۹؛ شهیدی صالحی، ۱۳۷۳ ش، ص ۱۷۶).

تراجم‌نویسان از حسینی قزوینی با عظمت بسیار یاد کرده‌اند (برای نمونه ← قزوینی، ص ۱۳۰-۱۳۱؛ خوانساری، ج ۲، ص ۳۶۵-۳۶۶). بحرالعلوم در اجازه خود به علی‌بن محمد بحرانی، سیدحسین را با اوصافی چون مایه افتخار عالمان، کوه رفیع دانش و ستون استوار فضل و بینش وصف کرده است (← خوانساری، ج ۲، ص ۳۶۶). سرجان ملکم^۱ (ج ۲، ص ۲۲۵-۲۲۶) نیز وی را در زمره چهار مجتهد معروف ایران آن زمان دانسته که پس از فوت هم از او با احترام یاد می‌شده است. زهد و تقوای او را ستوده‌اند (برای نمونه ← مدرس تبریزی، ج ۴، ص ۴۴۹). وی شعر نیز می‌سرود و نسیب تخلص می‌کرد (← گلریز، ج ۲، ص ۴۲۸).

سیدحسین در ۱۲۰۸ در قزوین درگذشت و در امامزاده حسین دفن شد (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۴ الف، قسم ۱، ص ۳۷۴؛ گلریز، ج ۲، ص ۳۵). مرقدش زیارتگاه مردم شده است (قمی، ج ۱، ص ۱۲۸؛ خوانساری، ج ۲، ص ۳۶۵).

سیدحسین تألیفات بسیاری داشته، که از آن جمله است: الدر (الدرازی) الثمین، مشتمل بر چهل رساله در مسائل فقهی (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۹۸، ج ۸، ص ۵۲، نیز ← ج ۱۱، ص ۲۴۲، ج ۱۲، ص ۴۸، ج ۱۷، ص ۹۹-۱۰۰، ج ۲۳، ص ۲۴۴)؛ مُتَقَصِّی الاجتهاد، در شرح ذخیره المعاد محقق سبزواری (برای نسخه‌های خطی آن ← مدرسی طباطبائی، ص ۱۱۳)؛ التَّراهیُّنُ السُّداد فی شرح الارشاد، در شرح کتاب فقهی ارشاد الازهان علامه حلی؛ المعاملات، به فارسی؛ اللآلی الثمینة و الدراری الرزینة، در علم تراجم، که از منابع مؤلف اعیان الشیعة بوده است؛ تذکرة العقول، در اصول دین؛ نظم البرهان فی سَمَطِ الايمان، منظومه‌ای در اعتقادات و اصول دین، که خود آن را شرح کرده است؛ دیوان اشعار (← آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۸۱، ج ۴، ص ۴۰، ج ۹، قسم ۱، ص ۲۴۶، ج ۱۳، ص ۲۷۷، ج ۱۸، ص ۲۵۸، ج ۲۱، ص ۱۳، ج ۲۰۳، ج ۲۴، ص ۲۰۰-۲۰۱)؛ رساله در اخلاق، به فارسی، که چندبار چاپ شده است (← آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۷۳؛ زربادی، ص ۱۳۱؛ برای آثار دیگر ← آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۴۰، ج ۱۱، ص ۱۷۰، ج ۲۲، ص ۲۶۰-۲۶۱، ج ۱۵، ص ۲۹۷، ج ۲۴، ص ۳۹، ج ۲۶، ص ۲۴۹).

معروف‌ترین اثر سیدحسین، معارج الاحکام فی شرح مسالک الافهام و شرایع الاسلام است که شرحی است استدلالی و مبسوط بر شرایع الاسلام محقق حلی، با توجه به آرای شهیدثانی در مسالک الافهام. وی که مسالک الافهام را برای برخی شاگردانش تدریس می‌کرد، به درخواست برادرش، سیدحسن، آن مباحث را در این اثر گردآورد. معارج الاحکام، که جامع همه ابواب فقه است، از مهم‌ترین منابع مکتب فقهی قزوین به شمار می‌رود. فصل سوم مقدمه مهم کتاب، تلخیصی است از جامع الرواة محمدبن علی اردبیلی و مشترکات یا هداية المحدثين الى طريقة المحمدين تألیف محمدامین‌بن محمدعلی کاظمی. سیدحسین در پایان مقدمه، منابعی را که برای نگارش کتاب استفاده کرده، بررسی نموده و به شرح حال بسیاری از علمای متقدم و متأخر، از جمله مشایخ خود و پدرش، پرداخته است (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ص ۱۷۸-۱۷۹، ج ۲۲، ص ۲۰۴؛ حسینی اشکوری، ۱۳۵۴-۱۳۷۶ ش، ج ۵، ص ۲۸۷؛ شهیدی صالحی، ۱۳۷۳ ش، ص ۱۷۷؛ برای نسخه‌های خطی آن ← مدرسی طباطبائی، ص ۹۱).

۴) سید عبدالجواد، فرزند سیدحسین. تاریخ تولد او معلوم نیست. ابتدا نزد پدرش و دیگر علمای قزوین، از جمله ملا محمد صالح برغانی*، درس خواند. سپس به کربلا رفت و

محمد حسن بن علی اعتماد السلطنة، المآثر والآثار، در چهل سال تاریخ ایران، چاپ ایرج افشار، ج ۱، تهران: اساطیر، ۱۳۶۳ ش؛ حسن امین، مستدرکات اعیان الشیعة، بیروت ۱۴۰۸-۱۴۱۶/۱۹۸۷-۱۹۹۶؛ محسن امین؛ محمد بن حسن حرّعاملی، امل الامل، چاپ احمد حسینی، بغداد [۱۹۶۵]، چاپ افست قم ۱۳۶۲ ش؛ احمد حسینی اشکوری، تلامذة العلامة المجلسی و المجازون منه، چاپ محمود مرعشی، قم ۱۴۱۰؛ همو، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، قم ۱۳۷۶-۱۳۵۴ ش؛ خوانساری؛ جمال‌الدین زربادی، «میرحسین و رساله‌ای در علم کلام از او»، در نسیم فرهنگ و هنر و ادب قزوین، دفتر ۲، به کوشش محمدعلی حضرتی، قزوین: بنیاد فرهنگی قزوین‌شناسی، ۱۳۷۶ ش؛ عبدالحسین شهیدی صالحی، «سهم حوزه علمی قزوین در نهضت فقه جعفری»، حوزه، سال ۱۱، ش ۶ (بهمن و اسفند ۱۳۷۳)؛ همو، «مدرسه فلسفی قزوین در عصر صفوی: جنبه‌های فکری و اصولی و اخباری»، حوزه، سال ۱۰، ش ۴ (مهر و آبان ۱۳۷۲)؛ عبدالحسین بن محمدتقی قزوینی، تسمیم امل الامل، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۷؛ عباس قمی، فوائد الرضویه: زندگانی علمای مذهب شیعه، تهران [؟ ۱۳۲۷ ش]؛ محمدعلی گلریز، می‌نورده، یا، باب‌الجنة قزوین، [قزوین] ۱۳۶۸ ش؛ محمدعلی مدرس‌تبریزی، ریحانة الادب، تهران ۱۳۶۹ ش؛ سیدحسین مدرسی طباطبائی، مقدمه‌ای بر فقه شیعه: کلیات و کتابشناسی، ترجمه محمد آصف‌فکرت، مشهد ۱۳۶۸ ش؛ جان‌ملکم، تاریخ ایران، ترجمه اسماعیل حیرت، چاپ افست تهران ۱۳۶۲ ش؛ حسین بن محمدتقی نوری، فیض قدسی: زندگینامه علامه محمدباقر مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ ه.ق)، ترجمه جعفر نبوی، تهران ۱۳۷۴ ش؛ پرویز ورجاوند، سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین، تهران ۱۳۷۷ ش.

/ فریده سعیدی /

حسینی مختاری، محمد بن محمدباقر، ملقب به سید بهاء‌الدین، فقیه، محدث، متکلم و ادیب شیعی قرن دوازدهم. وی در حدود ۱۰۸۰ در نائین اصفهان به دنیا آمد. در اصفهان نزد استادانی چون محمدباقر مجلسی و فاضل هندی به کسب علم پرداخت و از آنان و محمد بن حسن حرّعاملی* اجازه روایت حدیث گرفت (آقابزرگ طهرانی، ۱۳۷۲ ش، ص ۱۰۸-۱۰۹؛ حرّعاملی، قسم ۱، مقدمه حسینی، ص ۱۷؛ حسینی اشکوری، ۱۴۱۰ الف، ص ۱۳۵).

بهاء‌الدین پس از اتمام تحصیلات، در اصفهان اقامت گزید و از فقهای نام‌بردار آنجا شد (آقابزرگ طهرانی، همانجا). در منابع از شاگردان و نزدیکان وی کمتر سخن به میان آمده، جز از پسر عموش، ناصرالدین احمد مختاری سبزواری، که از شاگردان فاضل هندی بوده است (فاضل هندی، ج ۱، مقدمه جعفریان، ص ۱۸-۲۲). آقابزرگ طهرانی (۱۴۰۳، ج ۴، ص ۱۵۳) از وجود زندگینامه خودنوشت سیدبهاء‌الدین گزارش

بعد از تکمیل مدارج علمی، به قزوین بازگشت و به تدریس و تصدی امور دینی پرداخت. وی داماد استادش، سید محمد مجاهد* بود و یازده پسر داشت که همگی از علما بودند. او در ۱۲۷۸ وفات کرد. خاندان حاج سیدجواد قزوین بدو منسوب‌اند (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۴ الف، قسم ۱، ص ۲۸۱؛ همو، ۱۴۱۱، ص ۵۷۲؛ حسن امین، ج ۳، ص ۱۱۷؛ ورجاوند، دفتر ۳، ص ۱۹۷۹). از این خاندان علما و چهره‌های سرشناسی برخاسته‌اند از جمله سیدمهدی، نوه عبدالجواد، عالم دینی، نماینده مردم قزوین در دوره چهاردهم مجلس و عضو جبهه ملی (متوفی ۱۳۴۲ ش) و سیدعباس، مدرّس حوزه علمی قزوین و مفسر قرآن (متوفی ۱۳۶۳ ش/۱۴۰۴).

از جمله نوه‌های او، سیدجعفر است. وی تحصیل خود را در قزوین آغاز کرد، سپس به نجف رفت و نزد شیخ مرتضی انصاری و سیدحسین کوه‌کمری به تحصیل ادامه داد. پس از آن به قزوین بازگشت و به خدمات دینی اشتغال یافت. وی در ۱۳۱۶ درگذشت. آثاری از او به جا مانده است (اعتمادالسلطنة، ص ۲۱۸؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۴، ۳، قسم ۱، ص ۲۸۸).

فرزند جعفر، سیدحسین معروف به مجتهد خیابانی، نیز عالم دینی بود. وی ابتدا در قزوین به تحصیل پرداخت و سپس به عتبات رفت و از درس فقهایی مانند آخوند خراسانی بهره برد. پس از آن به قزوین بازگشت و به تدریس علوم دینی پرداخت و زعامت دینی یافت. سیدحسین از مشروطه‌خواهان بود. وی در ۱۳۱۲ ش/۱۳۵۲ در قزوین فوت کرد (آقابزرگ طهرانی، همانجا؛ ورجاوند، دفتر ۳، ص ۱۹۷۹-۱۹۸۰).

۵) فاطمه خانم، دختر سید حسین بن میرابراهیم. او در حدود ۱۱۷۲ در قزوین به دنیا آمد. ابتدا نزد پدر و عموی خود، سیدحسن، درس خواند و بعد از ازدواج با شیخ محمدعلی قزوینی، فقه و اصول را نزد او آموخت. فاطمه خانم زنی دانشمند، باتقوا و حافظ قرآن بود و در علوم عقلی و نقلی تبحر داشت. او در حدود ۱۲۶۰ درگذشت و در امامزاده حسین قزوین دفن شد (حسن امین، ج ۳، ص ۱۵۹). ملاعبدالوهاب قزوینی ملقب به شریف، که از علمای بزرگ قزوین در عهد محمدشاه قاجار بود، فرزند همین بانو بوده است (برای تشریح حال وی به آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۴ الف، قسم ۲، ص ۸۰۹-۸۱۳؛ حسن امین، ج ۳، ص ۱۳۶-۱۳۷).

منابع: محمدحسن آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ همو، طبقات اعلام الشیعة: الروضة النضرة فی علماء المائة الحادیة عشرة، بیروت ۱۴۱۱/۱۹۹۰؛ همان الکرام البررة، مشهد ۱۴۰۴ الف؛ همان الکواکب المنتشرة فی القرن الثانی بعد العشرة، چاپ علی‌نقی منزوی، تهران ۱۳۷۲ ش؛ همان نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، مشهد ۱۴۰۴؛